

حجاب در ایران باستان



مریم اکبری

کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی

اشاره

در آغاز شکل‌گیری اجتماعات بشری و در جوامع اولیه، پوشاک نقش حفاظتی داشته و برای مصون‌نگه‌داشتن بدن انسان در برابر عوامل طبیعی و اقلیمی و آب‌وهوایی به کار می‌رفته است، اما بعدها با توسعه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در جوامع و شکل‌گیری عقاید دینی و مذهبی در ذهنیت مردم، پوشاک، نوع رنگ، جنس، شکل و سبک دوخت تن‌پوش‌ها، زمینه و نقش فرهنگی یافت و کارکرد اجتماعی و فرهنگی و نمادین آن برجسته شد. لباس، مانند زبان، هویت قومی، اجتماعی، جغرافیایی، وابستگی‌های صنفی، سیاسی و مذهبی و شأن و منزلت اجتماعی و اقتصادی مردم را مشخص می‌کند. از این‌رو بررسی این جنبه از زندگی انسان‌ها برای شناخت جوامع ضروری است. یکی از مقوله‌هایی که در بررسی پوشاک در ایران در قرون اخیر مورد منازعه بوده، مسئله حجاب و پوشش بانوان است. به همین دلیل، لزوم بررسی تاریخی این امر و ریشه‌یابی آن احساس می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حجاب، لباس، چادر، دوران باستان



پیشینه تاریخی پوشش در ایران تا عصر مادها

از اولین منابع موجود درباره پوشاک در ایران، مجسمه‌های استخوانی و سفیدرنگ است که در موزه ایران باستان در تهران نگهداری می‌شود (مشیرپور، ۱۳۴۵: ۱۲). این مجسمه از کاوش‌های باستان‌شناسی کاشان به دست آمده و متعلق به شش هزار سال پیش است. سپس نقاشی‌های روی دیوار غاری در لرستان است که تصویر کلاه آن‌ها به خوبی دیده می‌شود. این نقاشی روی غاری در کوه «دوشه» قرار دارد و بر دیوارهای این غار حدود ۱۱۰ نقش به رنگ سیاه ترسیم شده‌اند (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۷۵).

از منابع تاریخی نیز چنین برمی‌آید که نخستین پارچه‌ها در شهر شوش در حدود شش یا پنج هزار سال قبل یافت شده است (شهبهانی، ۱۳۷۴: ۲۶). جامی نقره‌ای به بلندی ۱۹/۵ سانتی‌متر، متعلق به پنج هزار سال پیش از مرودشت فارس به دست آمده که نقش زنی همانند الهه‌ای قاصد روی آن حک شده و پوشش سرش به صورت نواری گردنش را فراگرفته و کلاه کوچکی بر سر دارد که موهایش را از بالا به پایین پوشانده است.

ذکر مواردی از این دست، دلیل بر این است که حتی تا قبل از دوره مادها، یعنی حدود شش هزار سال پیش، آغازی برای بررسی اولین منابع درباره پوشش سر و سایر اعضای بدن در ایران وجود داشته است.

حجاب در دوره مادها و هخامنشیان

برای بررسی پوشش مردم در دوران مادها و هخامنشیان از آثار نویسندگان کلاسیک، مثل هرودوت، گزنفون و دیودوروس و آثار مستند و بارزش باستانی، می‌توان بهره برد. این منابع را می‌توان به پنج گروه تقسیم کرد:

۱. حجاری‌های بیستون، متعلق به دوران داریوش اول (۵۲۱-۴۸۶ ق.م)؛
۲. نقوشی که نشان می‌دهند ۳۰ ملت زیردست هخامنشیان بوده‌اند و بر مقبره داریوش در نقش رستم و نزدیک تخت جمشید حجاری شده‌اند؛
۳. معماری منحصر به فرد تخت جمشید، به‌ویژه پلکان شرقی مشرف به کاخ آپادانا؛
۴. نقوش متنوع، به‌ویژه هنرهای دستی، مثل گلدان‌های یونانی، مسکوکات مصری، مهرهای یونانی و ایرانی و...؛
۵. آثار و بقایای لباس‌های پیداشده در تپه‌های آلتای.

از این ۵ گروه، حجاری‌های بیستون و مقبره داریوش اول بیش از بقیه به شناخت دقیق نقش‌ها و لباس‌های آن دوره، همانند اسناد تاریخی موثق، کمک می‌کند (بارشاطر، ۱۳۸۲: ۴۲). از آنجا که بناهای شناخته‌شده ایرانی تصویری از زمان ارائه نمی‌دهند، شناخت بسیار کمی از پوشش آنان در دوران مادها و هخامنشیان وجود دارد.

بر اساس منابع موجود، چنین به نظر می‌رسد که نقوش زنان، نشانگر آن است که آن‌ها معمولاً «لباس درباری» چین‌دار و کیتون پر حجم «یونی» به تن می‌کردند. همچنین زنان بالاپوشی چون چادر امروزی که سر و گردن را می‌پوشانید به سر می‌کردند (همان: ۶۴).

شاید توجه‌ترین مدرک به‌دست‌آمده در خصوص لباس زنان در دوران هخامنشی، لباس‌های پیداشده در مقبره پازیریک است.

لباس‌های بیرون‌آمده از زیر خاک، شامل شنل یا خفتانی کوتاه از پوست سنجاب است که داخلش با خز مفروش و لبه‌هایش با نواری از پوست سیاه کره‌اسب درست شده و آستین‌های باریکی دارد که با تکه‌های موزون چرم دباغی و آراسته شده است (همان).

برخی نقوش برجای‌مانده از زنان آن زمان، پوشش جالبی دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای چین و آستین کوتاه است. همچنین زنان دیگری از پهلو بر اسب سوارند که چادری مستطیل‌شکل روی همه لباس خود افکنده‌اند و در زیر آن یک پیراهن دامن‌بلند و در زیر آن هم، پیراهن بلند دیگری است که تا مچ پا را پوشانده است (همان: ۷۵).

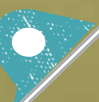
زنان ایران زمین از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کامل شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند روی لباس‌ها بوده‌اند. این حجاب در زمان پارس‌ها (هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان) نیز معمول بوده است



از مطالب بیان شده دو نتیجه می‌توان گرفت:

۱. زنان در این دوره علاوه بر لباس‌های بلند نظیر مردان به جای شنل از چادری استفاده می‌کردند که سر آنان را می‌پوشانده است.
۲. از تجملات و تزیینات خاص دور بودند و همان لباس مردان را با اندکی تفاوت می‌پوشیدند و از اختلاط با نامحرمان در مجامع عمومی به شدت پرهیز می‌کردند.

البته هرودوت، مورخ یونانی، وجه تمایز پوشاک مرد و زن را در دوره هخامنشی، اختصاص پارچه ظریف‌تر و نازک‌تر برای زنان دانسته است (شهبهانی، ۱۳۷۴: ۴۰). در هر صورت، این دو مطلب جایگاه والای عفت و حجاب را در زنان ایران زمین از دیرباز نشان می‌دهد.



زنان ایران زمین از ابتدا یعنی از زمان مادها دارای حجاب و پوشش کامل بودند که تا دوره اسلامی ادامه داشته است

دوره اشکانیان

در زمان پارت‌ها (حدود ۲۵۰ ق.م تا ۲۲۴ م)، زمانی که اشکانیان حکومت می‌کردند، ایران در دورانی به سر می‌برد که شلوارها و بالاپوش‌های آستین‌دار، تن‌پوش مرسوم در سراسر خاور نزدیک به شمار می‌آمد. زنان به ندرت در حجاری‌های پارتی به تصویر کشیده شده‌اند. ظاهراً لباس اصلی آن‌ها مرکب از تن‌پوشی است پرچین و بلند با کمربندی در ناحیه کمر که همراه با چین‌های ظریف و فراوان روی قوزک پاها می‌افتاد. جامه آنان، تونیک گشاد مردانه بود که میزان بلندی آن قابل تشخیص است. جزء دیگر جامه زنان، پوششی بود که عقب سر را می‌پوشانید (بارشاطر، ۱۳۸۲: ۷۹).

با توجه به منابع موجود، چنین به نظر می‌رسد که در این زمان، همانند گذشته، حجاب زنان ایرانی کامل بوده است. ظاهراً لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین،



پرچین، آستین‌دار و یقه‌دار بوده است. البته پیراهن دیگری داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند و قد آن نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه‌باز بوده است و روی این دو پیراهن چادری سر می‌کردند (ضیاءپور، ۱۳۴۳: ۷۸). به احتمال قوی، پای‌افزار آنان مشابه مردان بوده است، اما آثار شناخته‌شده چنان اندک و مختصرند که امکان نتیجه‌گیری‌های منطقی را فراهم نمی‌کنند (بارشاطر، ۱۳۸۲: ۷۹). با توجه به مطالب موجود در منابع به نظر می‌رسد که حداقل در ابتدای دوره هخامنشی، ملکه‌های پارسی از انظار به دور بودند.

دوره ساسانیان

محدودیت آثار به‌جامانده از لباس زنان در دوره ساسانیان (۶۵۱-۲۲۴ م) در قیاس با لباس مردان، تحقیق در این خصوص را با مشکل مواجه کرده است. بر اساس منابع موجود، لباس زنان غیردرباری شامل یک تونیک بلند، به اقتباس از کتیون یونانی بود. این تونیک یا بدون کمربند بود و آستین‌های بلند داشت یا بی‌آستین بود و زیر سینه‌ها با کمربندی بسته می‌شد. پوشش روی تونیک روی اعضای پایین بدن می‌افتاد و از روی شانه چپ رد می‌شد. این پوشش در شانه‌گره می‌خورد یا با عبور سر از داخل آن پوشیده می‌شد (همان: ۸۳). نوعی از این لباس را بر تن بانوی بادبزن به دست بیضاپور می‌توان دید که از پارچه‌ای بسیار نازک و لطیف تهیه شده و رنگ آن آبی آسمانی است و آستین‌های حلقه‌ای دارد. این لباس نوعی بالاپوش به شکل قبای بلند بود که تا ساق پاها می‌رسید و یقه آن گرد و حاشیه‌دوزی شده بود و آستین‌های بلند داشت و معمولاً تمام سطح لباس قیطان‌دوزی می‌شد. زنان همچنین شلوارهایی مانند مردان به پا می‌کردند. این شلوارها همچون شلوارهای زنان دوره اشکانی بودند، با این تفاوت که ساق‌های آن‌ها در دوره ساسانی بلندتر بود و به وسیله نوارهای کشی و چین‌دار کردن آن‌ها در جلوی ساق پا، آن‌ها را به اندازه بلندی پای هر کس درمی‌آوردند. همچنین برای کمر و پایین پای شلوار نیز لیفه‌ای می‌ساختند و آن را با بند جمع می‌کردند. زنان ساسانی از نوعی چادر نیز استفاده می‌کردند که در دوران قبل از آن‌ها استفاده می‌شده است (چیت‌ساز، ۱۳۷۹: ۱۴ و ۱۵). حتی لباس هنرپیشگان زن مانند لباس‌های بلند سایر بانوان تا پشت پا کشیده می‌شد (سامی، ۱۳۴۲: ۱۸۶/۱).

چنان‌که گذشت، زنان ایران زمین از ابتدا یعنی از زمان مادها دارای حجاب و پوشش کامل بوده‌اند که تا دوره



تاریخچه حجاب: زنان دوره اشکانیان (پوش از اسلام) علاوه بر استفاده از شلوارهای چین‌دار و پیراهن‌های دپه‌دار و بلند استفاده میکردند که تقریباً بیشتر موهایی آن‌ها را می‌پوشانید. بلندای لباس‌ها بقدری بود که مانع دیدن کفش‌ها می‌گردید.



اسلامی ادامه داشته است. در دوره ساسانیان با رسمی شدن مذهب زرتشت، زنان با رعایت احکام دینی زرتشتیان، همچنان دارای حجاب کامل بوده‌اند. استفاده از چادر که از دوره‌های پیش (از زمان پیش از پارسی‌ها) کاربرد داشته، در این دوره نیز به صورت‌های گوناگون استفاده می‌شده است (ضیاءپور، ۱۳۴۳: ۱۱۴).

زرتشت با اینکه در این زمینه انحراف یا کمبودی در جامعه خود نمی‌دیده است، دو اقدام مهم برای استحکام حجاب به عمل آورد. نخست اینکه با تقریر خویش بر آن صحه گذاشت و آن را امری منطبق با شریعت خویش معرفی کرد. دوم اینکه با توصیه‌ها و پندواندزهای خویش کوشید تا پایه‌های حجابی را که زنان ایرانی به‌عنوان یک فرهنگ ملی در ظاهر عرف خود رعایت می‌کردند، در عمق روح آنان استحکام بخشد و از این طریق، ضمانت اجرای قانون حجاب را در آینده نیز تأمین و جامعه خویش را در مقابل انحراف‌های اخلاقی مخفی و پنهان، بیمه کند. از جمله توصیه‌های زرتشت به پیروان خویش این بود که: «ای نوع‌روسان و دامادان، روی سختم با شمامست، به اندرزم گوش دهید و گفتارم را به خاطر سپارید و با غیرت در پی یک زندگانی پاک‌منش برآیید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهرورزی بر دیگری پیش‌دستی جوید تا آن زندگانی مقدس زناشویی با خوشی و خرمی همراه باشد» (یسنا: ۵۳، پندهای ۵ و ۸).

در کتاب **وندیداد** نیز چنین آمده است: «کلام ایزدی است که کردار زشت را نابود می‌کند. از تو ای مرد خواهش می‌کنم پیدایش و فرونی را پاک و پاکیزه ساز، از تو ای زن خواهش می‌کنم تن و نیرو را پاک و پاکیزه ساز، آرزو دارم صاحب فرزند باشی و شیر تو فراوان شود» (وندیداد: ۲۷۵، پند ۱۰).

بدیهی است که در این دستورات دینی صریحاً درباره لزوم پوشش زنان امری صادر نشده، زیرا با رواج داشتن حجاب کامل در میان زنان چنین امری عبث بوده است. لذا در اندرزه‌هایش، داشتن غیرت، داشتن یک زندگانی پاک‌منش، لزوم چیره شدن بر نفس، پاک و پاکیزه ساختن تن و نیرو و پرهیز از خوشی‌های زودگذر و گناهانی که بدنامی به همراه دارد، سفارش و تأکید شده است.

نتیجه‌گیری

تاریخ، نه تنها حجاب را «فرهنگ ایرانیان» می‌داند، بلکه نقش و تأثیر آن را در ترویج حجاب ثبت کرده است. زنان ایران زمین

از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کامل شامل پیراهن بلند



تاریخچه حجاب. در منطقه بین النهرین لباس‌های زنان پوشیده تر از لباس‌های مردان بود. در یکی از آثار ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، زنی در بین النهرین با تکه پارچه کوچکی سرش را پوشانده است.

چین دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند روی لباس‌ها بوده‌اند. این حجاب در زمان پارسی‌ها (هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان) نیز معمول بوده است. بنابراین در زمان زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجاب کامل برخوردار بوده‌اند و زرتشت تنها به تقریر و تنفیذ خود بر حدود و کیفیت رایج آن صحه گذاشت و برای تعمیق آن با پندهای خود کوشید تا ریشه درونی حجاب را استحکام بخشد و عامل درونی را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری آن قرار دهد. با توجه به متون تاریخی، در زمان زرتشت، پوشش صورت معمول نبوده، ولی پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر در میان همگان رایج بوده است. اگرچه زن در محیط بیرون خانه رفت‌وآمد می‌کرده یا هم‌پای مردان به کار می‌پرداخته، ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است.

منابع

۱. ایزدپناه، حمید (۱۳۵۰). آثار باستانی و تاریخی لرستان. تهران: انجمن آثار ملی ایران.
۲. چیت‌ساز، محمدرضا (۱۳۷۹). تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول. تهران: سمت.
۳. سامی، علی (۱۳۴۳). تمدن ساسانی (ج اول). تهران: امیرکبیر.
۴. شهشهانی، سهیلا (۱۳۷۴). تاریخ پوشش سر در ایران. تهران: مدر.
۵. ضیاءپور، جلیل (۱۳۴۳). تاریخ پوشاک ایرانیان از کهن‌ترین روزگار تا پایان شاهنشاهی ساسانی. تهران: اداره هنرهای زیبا.
۶. مشیرپور، میرمحمد (۱۳۴۵). تاریخ تحول لباس در ایران از آغاز تا اسلام. مشهد: زوار.
۷. محمدی، علی (۱۳۸۰). حجاب در ادیان الهی. قم: نورگستر.
۸. وندیداد، به نقل از حجاب در ادیان الهی، ص ۸۸.
۹. بارشاطر، احسان و گروهی از نویسندگان (۱۳۸۲). پوشاک در ایران. ترجمه پیمان متین. تهران: امیرکبیر.
۱۰. یسنا، به نقل از حجاب در ادیان الهی، ص ۸۸.